

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

عدم تمرکز بر زیبایی ظاهری

بنابر آنچه در تواریخ نقل شده است، روز بیستم جمادی‌الثانی، روز ازدواج عبدالله و آمنه علیها السلام پدر و مادر رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. این مناسبت بسیار شاد و خجسته را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام عصر ارواحنا فداه تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم. ازدواج این بزرگواران برای ما و به‌خصوص دوستان جوان ما که در سنین تصمیم‌گیری برای ازدواج هستند، بسیار الهام‌بخش است. مبدا فقط به ستایش و ثناگویی و مدّاحی این بزرگان بسنده کنیم و اقتدا و الهام‌گیری و تأسی به آنها و سیره‌ی آنها را فراموش نکنیم. البته مدیحه‌سرایی و ستایش و ستودن آنها قطعاً ارزشمند است؛ اما کافی نیست. باید از این سادگی و بی‌پیرایگی ازدواج آمنه و عبدالله علیها السلام برای زندگی الهام بگیریم. عبدالله علیها السلام فرزند بزرگ قریش است؛ اما چنان سادگی و بی‌پیرایگی و صفای پاک انسانی در ازدواج ایشان می‌بینیم که برای جوانان ما الهام‌بخش است. نکند خدای ناکرده درعین ادّعی معنویّت و تدبیر و عرفان، وقتی پا به میدان ازدواج می‌گذاریم، به‌گونه‌ای دیگر رفتار کنیم؛ مثل دنیاطلبان و ظاهرینان؛ مثل کسانی که فقط جنبه‌های ظاهری را می‌بینند و یکسره از ارزش‌های باطنی انسانی غافلند. حیف است که جوان اهل ولایت، تصمیمش در عرصه‌ی

ازدواج شبیه تصمیم‌گیری دنیاطلبان و دنیاگرایان و کسانی باشد که فقط با دید مادی به مسأله‌ی ازدواج نگاه می‌کنند. نمود معنویت‌گرایی ما باید در جریان زندگی و در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های ما باشد. اگر یک مرد مسلمان، یک مرد اهل ولایت و معنویت و عرفان، هنگام ازدواج اولین گزینه را زیبایی، خوش‌اندام بودن، جذابیت جسمانی و ... بگذارد، با کسی که اهل مذهب و ولایت و دین و عرفان نیست چه فرقی دارد؟ یک خانواده‌ی متدین ولایت‌شععی معنوی وقتی می‌خواهند برای پسرشان خواستگاری بروند، اولین معیارشان برای انتخاب یک دختر شایسته قد و بالا و چشم و ابرو و زیبایی جسمانی و ظاهری آن دختر باشد و بعد از آن تحقیق کنند که اخلاقش چگونه است؟ تدین و اعتقادش چگونه است؟ فهم و درکش چقدر عمیق است؟ اصالت خانوادگی دارد یا نه؟ اگر این‌گونه باشد، پس یک خانواده‌ی مذهبی معنوی اهل ولایت و عرفان و اهل تدین و تشیع، با خانواده‌های دنیاگرا چه فرقی دارد؟ اندکی فکر کنیم! چه می‌کنیم؟ چگونه تصمیم می‌گیریم؟ خدا از کسی ادعا نمی‌پذیرد. «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^۱ آیا مردم گمان می‌کنند که خدا آنها را به صرف ادعای ایمان می‌پذیرد و محک نمی‌زند؟ محک معنویت‌گرایی، تدین، و ولایت، در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های ما در جریان زندگی است. باید ببینیم معیارها و ملاک‌های ما با دنیاطلبان چه فرقی دارد؟ نمی‌گوییم زیبایی ظاهری هیچ سهمی در تصمیم‌گیری ندارد؛ اما این فقط یکی از گزینه‌ها در کنار گزینه‌ها و معیارهای متعدد دیگر است و باید توجه داشت این عوامل نسبت به هم وزن و ترتیب و تقدیمی دارند. کسی که می‌گوید اول

^۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲.

قیافه‌اش را بپسندم، بعد راجع به دیانت و معنویت و اخلاقیات و فهم و عقل و اصالت خانوادگی‌اش تحقیق می‌کنم، نشان می‌دهد که از میان همه‌ی معیارها سنگین‌ترین وزن را برای زیبایی ظاهری قائل است. او چگونه می‌تواند مدعی عرفان و معنویت باشد؟ مگر اهل عرفان و معنویت کسانی نیستند که باطن را بر ظاهر، آخرت را بر دنیا و خدا را بر ماده و دنیا تقدّم می‌دهند؟! پس این چگونه تصمیم‌گیری است؟ هم خانواده‌ها و هم پسران ما اندکی بیندیشند که چه می‌کنند. طبیعتاً خدا فردی را که همه‌ی خصوصیت‌های مورد نظر ما را در حدّ اعلیٰ داشته باشد، نیافریده است. اگر هم آفریده باشد، کفو ما نیست. مگر خود ما همه‌ی آن کمالات را در حدّ اعلیٰ داریم؟ گاهی می‌بینم جوانی که در پی انتخاب همسر است، از زیبایی ظاهری متوسطی بهره‌مند است، اما به دنبال ستاره‌ای آن‌چنانی می‌گردد. می‌گویم حتی اگر چنین کسی پیدا شود با تو تناسب ندارد؛ کفو تو نیست. مگر کفویت در ازدواج شرط نیست؟ مگر خودت در همه‌ی خصوصیات، در تدبیر، اخلاق، رفتار، روحیات، در تحصیلات، اصالت خانوادگی و گزینه‌های متعدّد دیگر، ایده‌آل و در حدّ اعلیٰ هستی؟ چگونه چنین انتظار بیجایی از طرف مقابلت داری؟ حتی اگر طرف مقابل آن خصوصیت را در حدّ اعلیٰ داشته باشد، با تو کفویت و سنخیت ندارد؛ چون تو نداری؛ لذا نمی‌تواند برای تو همسر مناسبی باشد. انسان برای هر خصوصیت لازم در همسرش باید دامنه‌ای تعریف کند؛ نه یک نقطه. مثلاً تحصیلاتش از این حد پایین‌تر نباشد؛ از این حد هم بالاتر نباشد؛ چون اگر پایین‌تر باشد حرف مرا نمی‌فهمد؛ بالاتر هم باشد من حرف او را نمی‌فهمم. در زیبایی هم همین‌طور؛ نمی‌گویم دنبال یک فرد زشت برای ازدواج بگردید؛ گرچه اگر با نگاه الهی بنگریم، خداوند هیچ انسان زشتی نیافریده است. خدایی

که فرمود: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ»^۲ خداست که صورت شما را در رحم نقش می‌زند. کسی را که خدا نقاشی کرده است جرأت داریم زشت بنامیم؟ به این معنا زشت وجود ندارد. نمی‌گوییم از جنبه‌ی ظاهری به‌کلی صرف‌نظر کنید؛ اما یک دامنه تعریف کنید. در این صورت است که ازدواج‌ها امکان‌پذیر می‌شود. بعضاً بچه‌های اهل معنویت در ازدواجشان به مشکل برخورد می‌کنند؛ به‌خاطر سلیقه‌ی خانواده‌شان، یا سلیقه‌ی خودشان که این یکی خیلی تعجب‌آور است. آن اشک و آه‌ها و آن حالت‌های لطیف معنوی کجا و این معیار در انتخاب همسر کجا! چه سنخیتی با هم دارد؟ اگر ما مدعی دیانت و معنویت هستیم، و نگاه جامعه و دوستان به ما این است که اهل ولایت و دیانت و جلسه و عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام هستیم، پس باید تمام خصوصیات و رفتارهایمان خبر از این روحيات بدهد؛ نه اینکه فقط موقع روضه خوب گریه کنیم، اما موقع ازدواج به‌کلی معنویت‌گرایی را فراموش کنیم. در ازدواج روح زن از جسم او مهم‌تر است. شخصیت یک زن، فهم و عقلانیت، لطافت احساسی، پاکدامنی و عفت، دیانت، معنویت‌گرایی، دنیاطلب و اهل تجملات ظاهری نبودن، فهم عمیق دینی داشتن، اهل عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام بودن،... اینها به‌مراتب مهم‌تر از ظاهر زیبا و چشم و ابروی دلربا و قد و اندام متناسب و متوازن است. همگان باید ببینند که ما در انتخاب‌های واقعی زندگی‌مان هم آن‌گونه عمل می‌کنیم. بعضاً افراد می‌گویند ما خودمان آن‌قدرها به زیبایی ظاهری اهمیت نمی‌دهیم؛ ولی اگر چنین انتخابی نکنیم مورد نکوهش دیگران قرار می‌گیریم که این چه زنی بود گرفتی؟! خوشگل‌تر از او وجود نداشت؟! چرا قضاوت دیگران این‌قدر برای ما مهم باشد؟ چرا فهم

^۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۶.

خودمان از واقعیات عالم و حقیقت دین را باید کنار بگذاریم و با معیار و پسند دیگران و فامیل و دوستان همسر انتخاب کنیم؟ معیاری را که خودمان انتخاب و باور کردیم، در مسأله‌ی ازدواج مدّ نظر قرار دهیم. اینکه دیگران زیبایی جسمانی را عامل اول می‌دانند، دلیل نمی‌شود که ما هم از آنان تبعیت کنیم. باید ببینیم رضایت الهی در چیست؟ سیره و سبک عمل پیغمبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام چگونه بوده است؟

در کتاب «حجاب» یکی از عوامل مؤثر در تزلزل مبانی حجاب و عفاف، و گرایش خانم‌ها به خودآرایی، به جراحی‌های زیبایی، آرایش‌های آن‌چنانی، رژیم‌های دردآور و سنگین تناسب اندام، ورزش‌های سنگین و آن‌چنانی برای افزایش زیبایی جسمانی را همین سلیقه‌ی غلط خانواده‌ها و آقایان در انتخاب همسر دانسته‌ام. یکی از دلایلی که یک دختر جوان را به سمت این فکر سوق می‌دهد که جسم خود را با آرایش و حتی جراحی زیباتر کند، اندامش را با رژیم‌ها و ورزش‌ها متناسب‌تر کند، و بعد از آرایش کردن و زیبا کردن، خود را به منصفه‌ی ظهور و به عرصه‌ی دید مردان نامحرم برساند، همین سلیقه‌ی غلط خانواده‌ها و مردهاست. آن دختر گمان می‌کند اگر این کارها را نکند شانس ازدواج نخواهد داشت. مردها دنبال خانم‌های خوشگل و خوش‌اندام هستند، پس من باید خودم را خوشگل و خوش‌اندام کنم و این اندام و چهره‌ی زیباشده را به دید آنها برسانم، تا شانس ازدواج پیدا کنم. بدین ترتیب مردان و خانواده‌ها در گرایش این دختر به خودآرایی و خودنمایی مجرمند.

امیدواریم در مسأله‌ی ازدواج از الگوهای که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است الهام بگیریم. در این صورت هم راه ازدواج سهل می‌شود و با مشکل برخورد نمی‌کنیم و

فرصت ازدواج با طی شدن زمان و نبودن خواستگاران از دسترس دختران متدین و عقیف خارج نمی‌شود، هم این‌قدر آلودگی در جامعه به‌وجود نمی‌آید و دختران به‌سمت خودآرایی و خودنمایی کشیده نمی‌شوند. امیدواریم تنبّه حاصل شود و از این الگوهایی که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است درس بگیریم؛ در وهله‌ی اول معصومین علیهم‌السلام و سپس شخصیت‌های بزرگواری مثل عبدالله و آمنه علیهم‌السلام پدر و مادر پیغمبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ